

فریدون فرهودی:

بدبینی، متهم اصلی کم‌کاری در حوزه اقتباس است

فریدون فرهودی کارگردان و از فیلمنامه‌نویسان پیشکسوت سینمای ایران است که بسیاری او را به عنوان یکی از برجسته‌ترین مدرسان در حوزه آموزش فیلم‌نامه نویسی می‌شناسند. دختری با کفش‌های کتانی، پایتال، غزل و... از فیلمنامه‌های قابل اشاره این نویسنده هستند و از فیلمنامه‌های اقتباسی او هم می‌توان به «کلاهی برای باران»، «ساحره» و «تکیه بر باد» اشاره کرد.

فریدون فرهودی در ابتدای این گفتگو با ماهنامه صبا با اشاره به اقتباس و انواع آن گفت: اقتباس شکل‌های مختلفی دارد. یک زمان اقتباس براساس یک شخصیت است. مثلاً یک خبر یا رمانی خوانده می‌شود و یک شخصیتی از آن برایمان عمده می‌شود و می‌شود منبع اقتباس‌سازمان و در حول و حوش آن یک ساختار را طراحی می‌کنیم. یک زمان اقتباس براساس موقعیت است. مثلاً در یک رمانی یک نویسنده، موقعیت یک قحطی یا مثلاً موقعیت کرونا را در نظر گرفته و قصه‌ای زیبا نوشته و ما هم می‌خواهیم قصه‌ای را سازمان دهیم براساس موقعیت قحطی یا کرونا. یک زمان اقتباس براساس مفهوم است، در یک رمانی ما یک مفهوم و معنایی را می‌خوانیم و می‌بینیم که به طور مثال معنای عاشقانه در آن خیلی خوب دنبال شده است. یک زمان هم هست که اقتباس براساس ساختار است، یعنی ساختار یک داستان ما را جذب می‌کند. مثلاً یک داستان، پنج نفر را به نوبت وارد قصه کرده و پست‌پیش‌برندگی را بین آن‌ها پاس داده و ما می‌خواهیم از این ساختار استفاده کنیم و یک داستان دیگری را طراحی می‌کنیم.

او در ادامه توضیحاتش به یکی از فیلمنامه‌های خود اشاره کرد و افزود: اقتباس فیلمنامه «ساحره» از یک اسکلت داستانی بود. در واقع من یک اسکلت داستانی را گرفتم و مهم‌ترین کاری که باید انجام می‌شد و من انجام دادم، پیدا کردن ساختار مناسب برای خلاصه داستان صادق هدایت بود. قصه «عروسک پشت پرده» هدایت خیلی کوتاه بود. من حتی خلاصه آن را در نظر گرفتم. کما این که در پایان‌بندی داستان